

تبیین عوامل مؤثر قدرت اقتصادی در توسعه شهر قزوین

هومن باباپور

، دانشجوی دکتری گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.

زهرا داودپور (نویسنده مسئول)، Zdavoudpour@yahoo.com.

دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.

مریم معینی‌فر

استادیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.

چکیده

شهر برآیند تعامل بنیادهای زیستی و طبیعی از یک سو و ساختارهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و محصول قدرت، تصمیم و مدیریت از سوی دیگر می‌باشد. لذا، بررسی قدرت‌های تاثیرگذار بر شکل‌گیری شهر از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده توسعه شهری به شمار می‌آید. در این پژوهش به تبیین عوامل مؤثر قدرت اقتصادی در توسعه شهر قزوین پرداخته شده است. این پژوهش به لحاظ هدف توسعه‌ای-کاربردی و به لحاظ روش توصیفی-تحلیلی است که تحلیل داده‌های آن به صورت آمیخته (کیفی-کمی) انجام شده است. همچنین، جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های به صورت اسنادی-کتابخانه‌ای و پیمایشی بوده است که پرسشنامه از ابزار اصلی آن بشمار می‌آید. جامعه آماری پژوهش نیز شامل مسئولین و مدیران شهری بر اساس تخصص اقتصادمحور و همچنین نخبگان و اساتید دانشگاه‌های قزوین می‌باشد که حجم نمونه بر اساس روش دلفی معادل 30 نفر به صورت تصادفی در نظر گرفته شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش کمی از روش تحلیل عاملی با نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که اقتصاد مبتنی بر سوداگری، برخورداری ویژه و ناپایدار اقتصاد شهری را به عرصه سوداگری قدرت‌های تاثیرگذار عمده در توسعه شهر قزوین تبدیل نموده است. همچنین، عامل "قدرت اقتصادی در توسعه شهری رانتمحور" با مقدار ویژه 2.548 توانسته 18.201 درصد از واریانس را شامل شود. این عامل نیز با معیارهای تعداد افراد سرمایه‌گذار بومی یا غیربومی در شهر قزوین، سفته‌بازی زمین و مسکن در هماهنگی سیاست‌ها کلان، نیاز شهرداری به کسب درآمد دارای همبستگی مثبت و بالایی است.

کلیدواژه: قدرت، قدرت اقتصادی، توسعه شهری، شهر قزوین.

مقدمه

شهر برآیند تعامل بنیادهای زیستی و طبیعی از یک سو و ساختارهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و محصول قدرت، تصمیم و مدیریت از سوی دیگر می‌باشد. همچنین، برهم کنش قدرتهای مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و قانونی یکی از عوامل تاثیرگذار در توسعه شهری و از سرچشمه‌های تمایزات مکانی به شمار می‌رود. بنابراین بررسی قدرتهای تاثیرگذار بر شکل‌گیری شهر از مهم‌ترین عوامل تعیین کننده توسعه شهری به شمار می‌آید در همین راستا، قدرتهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و قانونی هر کدام با اهرم‌هایی که در اختیار دارند سمت و سوی توسعه شهری را به مسیر دلخواه خود هدایت می‌کنند؛ بررسی برهم‌کنش قدرتهای فوق بر برنامه‌ریزی و توسعه شهری و سازوکارهای تصمیم‌گیری در حوزه شهری توسعه‌ی کالبدی-فضایی شهر را به شدت تحت تاثیر قرار می‌دهند؛ لذا بررسی عوامل مؤثر قدرت با توجه به ابعاد متفاوت همچون کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و نهادی-سازمانی در توسعه شهر حائز اهمیت است. قدرت به مثابه «نهاد» و حاکمیت به مثابه «ساختار» تلقی شده و رابطه آن‌ها با یکدیگر براساس این دو مفهوم تعیین شده است (کاظمیان، 1386: 98). از طرف دیگر هندسه قدرت به مثابه چیدمان عناصر سیاسی و اقتصادی در کشور و روابط حاکم بر آن‌ها، و شیوه تعامل میان اجزای حاکمیت و کنشگرهای خارج از آن و نهایتاً چگونگی پراکنش وزنی قدرت در اجزای اجتماع، اعم از درون حاکمیت و خارج از آن می‌باشد.

تحول ناگهانی در رشد جمعیت شهری ایران و توسعه شهرها از سال 1340 شمسی تحت اقدامات و برنامه‌های دولت صورت پذیرفت؛ اصلاحات ارضی به عنوان بنیادی‌ترین دخالت دولت، شهر و شهرنشینی در ایران از رشد آرام و بطئی خارج شده و طی 2 دهه آن را به عنوان الگوی غالب زندگی مطرح ساخت. وقوع انقلاب اسلامی با تاثیرگذاری در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ایدئولوژیکی، شهرسازی و شهرنشینی در ایران را دگرگون ساخت؛ تحولات بعدی نظیر جنگ تحمیلی و برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب در کنار سیاست‌های خرد و کلان دولت در قالب طرح‌های توسعه شهری، تغییرات بنیادینی را در بیشتر شهرهای کشور رقم زده‌اند؛ مجموع تحولات اجتماعی-اقتصادی، حاکمیتی و ایدئولوژی-های سیاسی حاکم بر جامعه و قانون، هرکدام به عنوان یکی از دینفعان تاثیرگذار در شکل‌دهی به شهر معاصر ایرانی، دارای نقش برجسته‌ای می‌باشند. در شهر قزوین شکل‌گیری و شکل‌دهی به ساختار فضایی و کالبدی آن طی چهار دهه‌ای که از انقلاب می‌گذرد نشان دهنده تاثیرگذاری و نفوذ قدرتهای اجتماعی، سیاسی-مدیریتی، اقتصادی و قانونی در توسعه این شهر می‌باشد و هر یک از عوامل و تحولات فوق تاثیراتی بر ساختار کالبدی این شهر برجای گذاشته‌اند. از سوی دیگر، شهر قزوین به مانند هر شهر دیگری در هر نقطه دیگر جهان، زاده و رشد یافته موقعیت(خود) و همجواری با نواحی و کانون‌های طبیعی و انسانی همجوار خود است. بنابراین موقعیت مرکزیت استان قزوین و نزدیکی با کانون‌های جمعیتی کشور(تهران و کرج) به همراه

نقش ارتباطی موصلاتی مهم (آزادراه قزوین-رشت)، جایگاه مهمی به این شهر تخصیص یافته است. سابقه تاریخی (انتخاب این شهر به عنوان پایتخت ایران در دوره شاه طهماسب صفوی) و وضعیت سیاسی (وجود افراد ذی نفوذ و ساختارهای اقتصادی و اجتماعی خاص این شهر) به شدت شکل و روند توسعه این شهر را تحت تاثیر قرار داده اند. بنابراین ضروریست تا برآیند و برهمکنش قدرتهای فوق در توسعه کالبدی فضایی این شهر و همچنین سازوکارهای تصمیم‌گیری در آن مورد بررسی قرار گیرد. در این راستا، پژوهش حاضر سعی دارد به طور مبنایی و از حیث نظری به تبیین عوامل مؤثر قدرت اقتصادی در توسعه شهر قزوین پرداخته است و سؤال اصلی پژوهش بدین شرح "کدام عوامل قدرتهای اقتصادی بر توسعه شهر قزوین اثرگذار بوده است؟" مطرح شده است.

مبنای پژوهش

در راستای موضوع پژوهش، نژادبهرام و جلیلی (1399) در مقاله‌ای تحت عنوان "تبیین مفهوم «قدرت شهر» و اثرات آن در فرآیند توسعه شهر تهران" به منظور تمیز دادن مفهوم قدرت شهر با مفاهیم مشابه آن است که ماحصل آن شکل‌گیری مؤلفه جدید و اثرگذار در فرآیند سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های توسعه شهری است. بر اساس نتایج پژوهش آن‌ها قانونمندی‌ها بر اساس ابعاد نهادی، ساختاری، مدیریتی، کالبدی و به رسمیت شناخته شدن دانش شهری می‌توانند به عنوان مؤلفه جدید در تصمیمات، برنامه‌ها و اجرای آن‌ها با توجه به قدرت در شهر در نظر گرفته شوند. رحیمی (1397) در مقاله‌ای با عنوان "بررسی و تحلیل عناصر قدرت شهری در دوره‌های تاریخی و معاصر" چنین مطرح می‌نماید که با بررسی عناصر قدرت شهری در ادوار گذشته و حال، هرچه به جلو قدم می‌گذاریم شهر و عناصر قدرت شهری دچار یک سری تغییر و تحولات می‌گردد که در مواقعی این تحولات به نفع شهر بوده و در مواقعی نیز شهر دچار یک نوع سردرگمی و بحران گردیده است. همچنین، مشکینی و نورمحمدی (1397) در پژوهش تحت عنوان "نقدی بر مدیریت زمین شهری کشورهای در حال توسعه کشور ایران" چنین مطرح می‌نماید که چشم انداز فرانهادی با مشارکت تمام سهامداران و سیاست‌های هماهنگ تدوین شود. همچنین هماهنگی عمودی (نهاد سطح ملی و نهاد ملی بالادستی) و افقی (یک نهاد با نهادهای هم سطح خود در سطح محلی) نهادها، به همراه تفویض اختیارات و مسئولیت مدیریت زمین شهری به نهادهای سطح محلی که ظرفیت سازی نهادی لازم را دارند، راهکار برون رفت از شرایط کنونی است.

لوسیا دوبروک¹ (2018)، در مقاله‌ای با عنوان "زمانی که برنامه‌ریزان به بازیگران قدرت وابستگی دارند" معتقد است در حال حاضر برنامه‌ریزی به خودی خود با توجه مقیاس و زمان دارای اهداف متفاوتی است. برنامه‌ریزان با توجه به اهداف برنامه‌ریزی می‌توانند اقدامات مورد نظر خود را بدون هیچ‌گونه نگرانی خاصی از آینده عملیاتی کنند. بنابراین برنامه‌ریزی با داشتن هدف می‌تواند به یک روال تبدیل شود و قدرت کارکردن در دوران خفقان را نیز داشته باشد. تاج کومار² (2017)، در مقاله‌ای با عنوان "آیا برنامه‌ریزان باید به سیاست پیوندند؟ آیا این امر به آنها کمک می‌کند تا شهرهای

¹ Lucia Dobrucká

² Tej Kumar

بهتری داشته باشند" بدون قدرت و اقتدار سیاسی، تئوری‌های برنامه‌ریزی از نظر سیاسی آزار دهنده و کمک کمی به برنامه ریزان می‌کند. برنامه‌ریزان آگاه به سیاست می‌توانند فشارهای سیاسی را کم کنند. مطالعات صورت گرفته در این مقاله در کشورهای ایالات متحده، برزیل و نپال نشان می‌دهد؛ برنامه‌ریزانی که به سیاست پیوستند، قادر به انجام برخی از سخت‌ترین وظایف برنامه‌ریزی در شهرهایشان بوده‌اند. هم‌چنین، کیس فازکاکس³ (2015)، در مقاله‌ای تحت عنوان "روابط بین سیاست، شهرها و معماری بر اساس نمونه‌هایی از دو شهر جدید مجارستان" به بررسی زمینه‌های سیاسی، دلایل سیاسی و اقتصادی ساخت شهرک‌های صنعتی جدید و تاثیر آن بر روند برنامه‌ریزی، ساختار و معماری شهرهای جدید سوسیالیستی مجارستانی پرداخته است و نقش بازخوانی مجدد مناطق عمومی را با توجه به مولفه‌های ذهنی و کالبدی نوسازی شهری مشخص نموده است.

هم‌چنین به منظور تدقیق عوامل قدرت اقتصادی در شهر بررسی مفاهیمی هم‌چون قدرت، قدرت در شهر، قدرت اقتصادی و توسعه شهری حائز اهمیت که در ادامه به آن‌ها پرداخته شده است. به طور کلی، از قدرت تعاریف متعددی ارائه شده است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود؛ در دیکشنری وبستر⁴، قدرت معادل و مترادف مفاهیمی چون کنترل، اقتدار، فرمان، تسلط، اختیار قانونی و توانایی قضاوت به کار گرفته شده است (Merriam Webster, 2015). دیکشنری آکسفورد⁵ نیز تعریف زیر را از قدرت ارائه داده است: «توانایی انسان برای انجام کاری یا عملی؛ کنترل بر روی دیگران، توانایی فرد، گروه، کشور و یا دولتی برای نفوذ و اثرگذاری زیاد» (Stevenson, 2010). هم‌چنین، در نگاه اجمالی می‌توان گفت قدرت اغلب مترادف مفهوم «نفوذ» است که عمدتاً در روابط افراد، گروه‌ها و دولت به کار برده می‌شود (Johnston, 2000: 629). قدرت‌رانی از کانال‌های مختلف از جمله فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، محصول فرایند تصمیم‌گیری، ساختار و مولفه‌های محیط مورد نظر تصمیم‌گیری اعمال می‌شود (ایمانی شاملو و رفیعیان، 1395: 288). بنابراین تناقضات و تمایزات فضایی حاصل تناقضات و تمایزات منافع کنشگران مختلف موجود در جامعه است (Dunleavy, 2012: 5). قابل ذکر است که متغیرهای مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، دینی و مذهبی، قانونی و... بر قدرت تاثیر دارند و این موضوع سبب پیدایش مفاهیمی نظیر قدرت اقتصادی، قدرت اجتماعی، قدرت فرهنگی، قدرت سیاسی، قدرت دینی و ایدئولوژیکی، قدرت قانونی و... شده است (Holden, 2020).

ویژگی‌های قدرت را می‌توان این‌گونه بر شمارد که قدرت هیچ جوهره‌ای ندارد و به همین دلیل غیر قابل تعریف است اما می‌توان انواع آن را توصیف کرد؛ قدرت در تاریخ شکل گرفته و ماهیت آن با گذشت زمان تغییر می‌کند؛ قدرت همه جا هست اما هیچ جایگاه و مرکزی ندارد؛ قدرت از طریق روابط انسانی عمل می‌کند؛ قدرت نه صرفاً خوب است و نه صرفاً بد، نه صرفاً مولد و نه صرفاً مخرب، بلکه می‌تواند همه شکل‌ها را داشته باشد؛ نمونه‌ی منفی قدرت سلطه و انقیاد است و نمونه‌ی مثبت آن، احتمالاً بر ساخت پدیده‌هایی است که برای بشر

³ Kissfazekas

⁴ Webster Dictionary

⁵ Oxford Dictionary

سودمند بوده اند؛ و قدرت هم برساخته‌ی تاریخ است و هم بر سازنده (منصوری، 1395: 123). مفهوم «قدرت در شهر» به مجموعه روابط قدرت که در سطوح مختلف درون شهری در مقیاس‌های مختلف خرده فضاها تا مقیاس مناطق شهری در تقابل یا اثرگذاری بر یکدیگر هستند، دلالت می‌کند (نژاد بهرام و جلیلی، 1399: 270). قابل ذکر است که در حقیقت قدرت در شهر شامل استفاده از ضمانت‌های اجباری و کاربرد زور در یک واحد اجتماعی-فضایی توسط بخشی از نخبگان و افراد متمایز جامعه برای اجرا یا فعال کردن تعهدات می‌باشد و در اختیار گرفتن قدرت مستلزم رابطه تسلط و فرمان‌برداری در میان افراد و گروه‌ها می‌باشد؛ بنابراین قدرت عاملی در کارآمدی نیست و فقط وسیله بسیج و مدیریت اجتماع و فضا می‌باشد (لشگری تفرشی و همکاران، 1396: 54). به عبارتی شهر فضای تعامل قدرت‌های مختلف است؛ جایی که در آن تمرکز قدرت‌ها و فرهنگ‌ها متبلور است و عناصر یا کنشگران قدرت شهری را می‌توان عبارت از هر فرد، گروه و یا سازمانی دانست که با استفاده از منابع در اختیار خود و از طریق تنظیم کنش و رفتار خود می‌توانند تأثیری هرچند اندک در تصمیم‌سازی‌ها، سیاست‌گذاری‌ها، اقدامات و رفتار سایر کنشگران شهری داشته باشند.

قدرت اقتصادی نوعی از قدرت است که هم از راه ترغیب و هم از راه فشار اقتصادی، در راستای کسب منافع یک دولت بکار گرفته می‌شود و معمولاً به چگونگی استفاده دولت از ابزارهای تشویق و تنبیه اقتصادی بر می‌گردد. فونباشی⁶ دانشمند ژاپنی از آن به‌عنوان «قدرت آشکار»⁷ سوزان استرنج⁸ «قدرت ارتباطی»⁹ و کلاوس نور¹⁰ «قدرت اجبار»¹¹ یاد می‌کنند که در مطالعات انجام شده، همه این مفاهیم در قالب عبارت «قدرت اقتصادی» مطرح و چنین تعریف می‌شود: «دستکاری عامدانه و اندیشیده شده منابع اقتصادی توسط یک دولت و با هدف تأثیرگذاری مستقیم روی رفتار دولت دیگر و وادار کردن آن به انجام یک رشته از اقدامات که در شرایط عادی و از روی اراده خودش، آن‌ها را انجام نمی‌داد» (سیف و همکاران، 1392: 13). در حقیقت در رابطه با قدرت اقتصادی می‌توان چنین گفت که اقتصاد مهم-ترین ابزاری است که به واسطه آن روابط اجتماعی مبتنی بر سلطه جو و سلطه‌پذیر (و واسطه‌های چنین فرآیندی) ایجاد می‌شود. بدین قرار تنبیه و تشویق در قالب دستمزد، یارانه، عوارض، مالیات و مواردی از این دست ابزار اصلی اعمال قدرت قلمداد می‌گردند که فرد یا سازمان به نوبه خود از آن‌ها استفاده می‌کند. در تبیین مفهوم توسعه شهری می‌توان گفت روند توسعه شهری در زمان و فضا تقریباً در ارتباط با توسعه اجتماعی ادامه و تغییرات ساختاری در اقتصاد و افزایش تحرک جمعیت باعث تغییر در چشم انداز توسعه شهری می‌شود (Matisovs, 2011: 130). هم‌چنین، توسعه شهری عبارت است از روندی متحول برای پاسخ به نیازها و خواسته‌های شهروندان بر اساس نیازهای کالبدی-محیطی، اجتماعی و اقتصادی که دربرگیرنده فضاهای کالبدی جهت کارکردها و فعالیت‌هایی نوین است و همگام با تحولات اجتماعی،

⁶ Funbashi

⁷ Revealed Power

⁸ Susan Strange

⁹ Relation Power

¹⁰ Klaus Knorr

¹¹ Coercive Power

اقتصادی، کالبدی و نهادی-سازمانی شهرها حرکت می‌کند؛ به‌طوریکه که ارتباط متقابل فضای کالبدی و تحولات اقتصادی - اجتماعی همواره به‌گونه‌ای است که هرگونه کاستی و نقصی که در یکی پدید آید، عوارض در دیگری منعکس می‌شود (Crevoisier and Rime, 2021:37). در این پژوهش قدرت‌های اقتصادی، سرمایه‌گذاران در نظر گرفته شده است که بر اساس آن دو دسته عوامل بیرونی که شامل عوامل اقتصادی که فرصت رشد و توسعه شهر را فراهم نموده‌اند و عوامل و مکانیزم‌های اقتصادی سازمانی که رشد کالبدی و فیزیکی شهر را منجر شده‌اند در نظر گرفته شده است که در جدول شماره 1 این عوامل مطرح شدند.

جدول شماره 1- عوامل قدرت اقتصادی در توسعه شهری

ابعاد	عامل	معیار
قدرت اقتصادی	بیرونی	- ایجاد شهرک های صنعتی (انتقال بخش مهمی از صنایع به شعاع 120 کیلومتری تهران) - تعداد افراد سرمایه گذار بومی یا غیربومی در شهر قزوین - توسعه صنایع آلاینده- غیر مولد - سفته بازی زمین و مسکن در هماهنگی سیاست‌ها کلان رشد نقدینگی، اقتصادی و افزایش نرخ بهره بانکی - هزینه‌های ناشی از آلودگی‌های زیست‌محیطی - انتقال مازاد صنعتی به تهران - افزایش تقاضا برای زمین شهری
	مکانیزم‌های اقتصادی سازمانی	- نیاز شهرداری به کسب درآمد - استفاده از روش های ناپایدار در درآمدزایی - وابستگی به ساخت و ساز به عنوان منبع درآمد شهرداری - صدور هر چه بیشتر پروانه ساخت و ساز - توجه به کمیسیون ماده 100 به عنوان منبع درآمدی - تراکم فروشی - تخصیص بودجه در جهت طرح‌های توسعه شهری

مواد و روش‌ها
این پژوهش از نظر نوع و ماهیت در حوزه تحقیقات توسعه‌ای-کاربردی قرار دارد و به لحاظ روش انجام توصیفی-تحلیلی و آمیخته (کمی-کیفی) است. روش جمع‌آوری داده‌ها در پژوهش حاضر به صورت میدانی و اطلاعات مورد نیاز از طریق مطالعه کتابخانه‌ای، جستجو در پایگاه‌های اینترنتی، مصاحبه و تدوین و تکمیل پرسشنامه، جمع‌آوری و مورد استفاده قرار گرفته، لذا، می‌توان این تحقیق را بر اساس ماهیت و روش، از نوع پیمایشی دانست. جامعه آماری پژوهش شامل مسئولین و مدیران شهری بر اساس تخصص اقتصادمحور و همچنین نخبگان و اساتید دانشگاه‌های قزوین می‌باشد که حجم نمونه بر اساس روش دلفی معادل 30 نفر به صورت تصادفی در نظر گرفته شده است. در روش پیمایشی، جمع‌آوری داده‌های اولیه با توجه به سؤالات پژوهش از طریق طراحی پرسشنامه انجام شده است. متغیرهای اصلی پژوهش شامل 14 شاخص اصلی می‌باشند که برای تحلیل عوامل قدرت اقتصادی در توسعه شهر قزوین مورد پرسش قرار گرفته شدند. همچنین، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش کمی از روش‌های تحلیل عاملی با نرم افزار SPSS استفاده شده است.

با توجه به مصاحبه صورت گرفته شده از مسئولین و مدیران شهری بر اساس تخصص اقتصادمحور و همچنین نخبگان و اساتید دانشگاه‌های قزوین می‌توان چنین مطرح نمود که درآمد و اقتصاد صنعتی شهر (که از قابلیت صنعتی شهر ناشی می‌شود) نقش مهمی در جمعیت‌پذیری شهر قزوین (جذب مهاجر) داشته است. همچنین، قابلیت رشد صنعتی (شهرک‌ها و واحدهای صنعتی متعدد واقع در شهرستان قزوین)، بدین معنی که " ایجاد شهرک های صنعتی (انتقال بخش

مهمی از صنایع به شعاع 120 کیلومتری تهران) "مهمترین عامل در دستیابی به این موقعیت شده است. به منظور تایید این نظر کارشناسان از آمار و اطلاعات مرتبط با شاغلان بخش صنعت در شهر قزوین و مقایسه آن با میانگین کشوری استفاده شده است و در همین راستا می‌توان گفت که سطح اشتغال صنعتی در شهر قزوین معادل 41.6%¹² بوده در حالی که این میانگین در سطح کشور معادل 31.4% بوده است (بر اساس آمارگیری 1395). لذا، اقتصاد صنعتی (صنعتی‌تر نسبت به سایر نقاط کشور) به نیروی کار، باعث جذب جمعیت مهاجر به شهر قزوین شده است. استقرار کارگران صنعتی در شهر قزوین نسبت قابل توجهی با کالبد و شهرسازی شهر قزوین و ایجاد ساختار طبقاتی در شهر داشته است، که در قالب نقل قولی کارشناسی، بدین شرح بیان شده است: "استقرار طبقه کارگر در محلاتی مانند سپه، مولوی، شهرک مینو، پیغمبریه، راه آهن، باغ دبیر، دروازه رشت (فاقد هویت و استانداردهای شهرسازی) سبب خروج قشر مرفه به سمت اراضی کشاورزی و ایجاد محلاتی نظیر الهیه و هفت سنگان (مغایرت به استانداردهای شهرسازی و فاقد استاندارد لازم) گردید. چنین فرآیندی سبب افزایش تقاضا برای زمین و مسکن در شهر قزوین گردیده و این شهر را به یکی از 10 شهر گران کشور (در حوزه زمین و مسکن) تبدیل نموده است.

از طرف دیگر، بنا بر اعتقاد کارشناسان، منافع کامل این فرآیند اقتصاد صنعتی تنها در بعد نیروی کار نصیب شهر قزوین شده است و ارزش افزوده ناشی از این نوع از اقتصاد به شهرهای تهران و کرج منتقل شده است. به عبارت دیگر این اقدام نمونه خردی از اقدام کشورهای توسعه یافته است که صنایع آلاینده و کاربر خود را به کشورها و مناطق کمتر برخوردار منتقل می‌کنند. عوارضی نظیر سفته‌بازی، آلودگی زیست‌محیطی، مشکلات اجتماعی نتیجه چنین فرآیند استثماری قلمداد شده است. در ادامه نیاز شهرداری قزوین به کسب درآمد (به همراه ضعف و خلا اقتصاد دستوری و متمرکز در کشور)، که شهرداری‌ها را از کسب درآمدهای پایدار مبتنی بر تولید محروم نموده است (منبع اصلی درآمدهای شهرداری کمک‌های دولتی، جوازها و پروانه‌های ساخت، تراکم فروشی و کمیسیون ماده 100)، را به نوعی اقتصاد مبتنی بر رانت، همکاری با سازمان‌ها، نهادها، بخش خصوصی دارای ارتباطات خاص، سوق داده داده است، بدین معنی شهرداری با گسترش حریم و محدوده شهری تلاش نموده است که ساخت و ساز و در نتیجه درآمد خود را افزایش دهد، سمت، جهت و اراضی توسعه شهری نیز مبتنی بر اراده و تمایل نهادهایی بوده است که اراضی محدوده‌های خاص را در تملک خود داشته‌اند. همچنین، تعداد مجوزهای ساخت و ساز مناطق و درآمدهای کسب شده در هر منطقه شهری (دارای برتری مناطق جدیداً اضافه شده به شهر) به همراه درآمد کسب شده شهرداری از هر منطقه (درآمد مناطق جدید به شدت بالاتر از مناطق قدیمی بوده است)، در نهایت نوع کاربری (که گویای نوع مالکیت اراضی است) در مناطق توسعه جدید به شدت به سود نهادها و سازمان‌های دولتی-حاکمیتی بوده است.

در تحلیل کمی داده‌ها و در جهت ارزیابی عوامل قدرت اقتصادی در توسعه شهر قزوین از تحلیل عاملی بهره گرفته شده است. قبل از اجرای دستور تحلیل عاملی، مناسب بودن مجموعه داده‌ها برای این تحلیل از طریق آزمون BTS و KMO مورد ارزیابی قرار گرفته شدند. مقدار KMO بدست آمده برابر 0/782 است که رضایت بخش بودن شاخص‌های انتخابی جهت استفاده از تکنیک تحلیل عاملی را نشان می‌دهد و در جدول شماره 2 نشان داده شده است.

جدول 2- درجه اعتبار و سطح معناداری با استفاده از KMO and Bartlett's Test

KMO and Bartlett's Test

¹² میانگین شاغلین بخش صنعت در استان قزوین معادل 37% بوده است (سال 1395).

Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy.		.782
Bartlett's Test of Sphericity	Approx. Chi-Square	2075.235
	df	120
	Sig.	.000

آزمون کرویت بارتلت فرض مرتبط بودن داده‌ها را آزمون می‌کند که مقدار بارتلت نیز برابر با 2075/235 به دست آمد که در سطح 1% معنی‌دار بوده است. بنابراین می‌توان گفت داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب بودند و متغیرهای پژوهش و چگونگی همبستگی متغیرها با یکدیگر به ترتیب اشتراک اولیه¹³ و اشتراک استخراجی¹⁴ را نشان می‌دهد. به طور کلی، اشتراک یک متغیر برابر مربع همبستگی چنگانه برای متغیرهای مربوطه با استفاده از عاملها (به عنوان پیش‌بینی‌کننده) است و به دلیل آن که ستون اشتراک اولیه، اشتراکها را قبل از استخراج عامل (یا عاملها) بیان می‌کند، تمامی اشتراک‌های اولیه برابر 1 است. از سوی دیگر، هرچه مقادیر اشتراک استخراجی بزرگتر باشد، عامل‌های استخراج شده، متغیرها را بهتر نمایش می‌دهند. همان‌گونه که در جدول 3 مشخص شده اشتراک استخراجی تمام عوامل بالاتر از 0/5 است.

جدول 3- همبستگی بین عوامل

Communalities	اشتراک اولیه	اشتراک استخراجی
ایجاد شهرک های صنعتی	1.000	0.905
تعداد افراد سرمایه گذار بومی یا غیربومی در شهر قزوین	1.000	0.730
توسعه صنایع آلاینده-غیر مولد	1.000	0.778
سفته بازی زمین و مسکن در هماهنگی سیاستها کلان	1.000	0.895
هزینه‌های ناشی از آلودگی‌های زیست‌محیطی	1.000	0.867
انتقال مازاد صنعتی به تهران	1.000	0.621
افزایش تقاضا برای زمین شهری	1.000	0.932
نیاز شهرداری به کسب درآمد	1.000	0.899
استفاده از روش های ناپایدار در درآمدزایی	1.000	0.653
وابستگی به ساخت و ساز به عنوان منبع درآمد شهرداری	1.000	0.933
صدور هر چه بیشتر پروانه ساخت و ساز	1.000	0.827
توجه به کمیسیون ماده 100 به عنوان منبع درآمدی	1.000	0.810
تراکم فروشی	1.000	0.924
تخصیص بودجه در جهت طرح‌های توسعه شهری	1.000	0.951

مرحله بعدی در تحلیل عاملی، تعیین مقادیر ویژه¹⁵ است که عبارت است از: الف) مقادیر ویژه عوامل استخراجی بدون چرخش¹⁶ و ب) مقادیر ویژه عوامل استخراجی با چرخش¹⁷. همچنین، استخراج عاملها با استفاده از محتویات ماتریس همبستگی بین عوامل به دست می‌آید. با استفاده از ماتریس عاملی، عوامل مشترک¹⁸ بدست می‌آید و جهت مشخص کردن معنادار بودن عوامل انتخاب شده در این روش، از معیار مقدار ویژه استفاده می‌گردد. در تحلیل مؤلفه‌های اصلی تنها عامل‌هایی که مقدار ویژه آنها بیشتر از یک باشد به عنوان عامل‌های معنی‌دار در نظر گرفته شده و کلیه عامل‌هایی که مقدار ویژه آنها کمتر از یک است از تحلیل کنار گذاشته می‌شوند (کلانتری، 1387: 304).

¹³ Initial

¹⁴ Extraction

¹⁵ Initial Eigenvalues

¹⁶ Extraction Sums of Squared Loadings

¹⁷ Rotation Sums of Squared Loadings

¹⁸ Common Factor

جدول 4- مقادیر ویژه عوامل استخراجی بدون چرخش

Component	Extraction Sums of Squared Loadings		
	کل	از واریانس %	تجمعی %
1	3.27	23.357	23.357
2	2.89	20.644	44.002
3	2.15	15.358	59.36
4	1.988	14.198	73.558
5	1.466	10.471	84.029

جدول 5- مقادیر ویژه عوامل استخراجی با چرخش

Component	Rotation Sums of Squared Loadings		
	کل	از واریانس %	تجمعی %
1	2.548	18.201	18.201
2	2.415	17.250	35.452
3	2.407	17.193	52.645
4	2.398	17.125	69.770
5	1.996	14.259	84.029

در جدول شماره 5، پنج عامل دارای مقدار ویژه بزرگتر از 1 هستند و در تحلیل مدنظر قرار گرفته می‌شوند. این پنج عامل می‌توانند تقریباً 84/09 درصد از تغییرپذیری (واریانس) متغیرها را توضیح دهند و ه این پنج عامل از مقادیر ویژه بزرگتر از یک برخوردارند، ولی اهمیت همه‌ی آنها برابر و به یک اندازه نیست. بطور مثال اهمیت و نقش عامل اول بیش از دو برابر عامل پنجم است. در این تحلیل، مهم‌ترین عامل، عامل شماره 1 می‌باشد که این عامل به تنهایی 18/201 درصد از واریانس را تشکیل می‌دهد. عوامل دوم تا پنجم به ترتیب مقادیر 17/250، 17/193، 17/125 و 14/259 درصد از واریانس را تشکیل می‌دهند. به دلیل اینکه مقدار ویژه مولفه‌های بعدی کمتر از 1 است معنی‌دار نبوده و قابل استفاده در تحلیل‌های بعدی نمی‌باشند.

چرخش عاملی: یکی از مفاهیم مهم در روش تحلیل عاملی، چرخش عامل‌هاست. در بسیاری از موارد، عامل‌های اولیه چرخش نیافته مناسب نیستند. در این موارد چرخش عامل‌ها می‌تواند از ورود برخی از متغیرها در چندین عامل مختلف جلوگیری کرده، ساختار عاملی مناسب و قابل تفسیرتری ارائه دهد. بنابراین دلیل اصلی چرخش عامل‌ها دستیابی به ماتریس عاملی ساده و از نظر تئوری معنادار و قابل تفسیرتر است. عامل‌ها در تحلیل عاملی از روی یک مجموعه متغیر به دست می‌آید که هدف از استخراج آنها نیز بیشینه نمودن مقدار واریانس است که از مجموعه اولیه تبیین می‌کنند.

در این مطالعه برای حداکثر ساختن روابط بین متغیرها و برخی عامل‌ها، عامل‌ها را حول محور خود دوران می‌دهند. دوران عامل‌ها به دو روش 1- دوران متعامد (مستقل) و 2- دوران متمایل انجام می‌گیرد. در مرحله‌ی دوران ضمن انجام یک چرخش¹⁹ در محور ماتریس از مناسبترین روش چرخش؛ یعنی وریماکس²⁰ استفاده شده است. این روش، یک روش حرکت وضعی است؛ به گونه‌ای که استقلال در میان عامل‌های ریاضی را حفظ می‌نماید. همچنین، این روش جمع واریانس عناصر در ماتریس بارهای عاملی را ماکزیمم می‌کند که به همین دلیل به آن نام واریماکس داده شده است. حاصل عمل چرخش، ماتریسی از عوامل دوران یافته است که در آن برای هر عامل، وزن متغیرهای مختلف مشخص بوده است که بر اساس آن هر عامل به متغیرهای خاص مرتبط می‌شود.

بعد از دوران عامل‌ها، درصد واریانس که توسط هر عامل تعیین می‌گردد تغییر می‌کند، اما درصد تجمعی کل واریانس ثابت می‌ماند. جدول 6 مقادیر عامل‌های استخراجی برای هر یک از متغیرها را بعد از عمل دوران نشان می‌دهد. در ماتریس عاملی جدول 6 هر ستون معرف یک عامل است. مقادیر موجود

¹⁹ Rotation²⁰ Varimax

در هر ستون نشان‌دهنده بارهای عاملی هر متغیر بر یک عامل می‌باشد. همچنین، متغیرهای مورد بررسی در ستون اول از بالا به پایین لیست شده‌اند. برای تفسیر این جدول، باید از اولین متغیر شروع و مقادیر مربوط به آن را در عامل‌های مختلف مورد بررسی قرار داد و هر جا که بیشترین مقدار قدر مطلق بار عاملی وجود داشت و از نظر آماری نیز معنی‌دار باشد، مشخص می‌شود که آن متغیر بر آن عامل بار شده است. همان‌طور که در جدول 6 مشاهده می‌شود متغیرهایی مورد تحقیق و عامل‌های بار شده توسط هر یک از متغیرها نشان داده شده است.

جدول 6- بارگذاری عامل‌های استخراجی معیارها (ماتریس عوامل دوران یافته)

Table 1. Rotated Component Matrix^a

معیارها	Component				
	1	2	3	4	5
ایجاد شهرک های صنعتی	.083	.870	-.366	-.086	.014
تعداد افراد سرمایه گذار بومی یا غیربومی در شهر قزوین	.698	-.221	.103	.425	-.039
توسعه صنایع آلاینده- غیر مولد	.329	.501	.552	-.124	-.314
سفته بازی زمین و مسکن در هماهنگی سیاست‌ها کلان	.931	.159	-.045	-.023	.009
هزینه‌های ناشی از آلودگی‌های زیست‌محیطی	.139	-.002	.010	.920	.014
انتقال مازاد صنعتی به تهران	.034	.766	.040	.175	.020
افزایش تقاضا برای زمین شهری	.021	.569	.404	.577	.333
نیاز شهرداری به کسب درآمد	-.942	-.106	.024	-.017	-.015
استفاده از روش های ناپایدار در درآمدزایی	.269	.151	-.527	-.404	.370
وابستگی به ساخت و ساز به عنوان منبع درآمد شهرداری	-.033	-.210	.430	-.830	.153
صدور هر چه بیشتر پروانه ساخت و ساز	.144	.317	-.754	.355	-.104
توجه به کمیسیون ماده 100 به عنوان منبع درآمدی	.110	.047	.838	.017	-.320
تراکم فروشی	.159	-.283	-.212	-.015	.879
تخصیص بودجه در جهت طرح‌های توسعه شهری	-.198	.401	-.107	-.050	.859

نامگذاری عاملها : در مرحله بعد، ماتریس عاملی دوران یافته با توجه به انجام تحلیل عاملی روی شاخص‌های مورد بررسی، در پنج عامل نامگذاری شد که این پنج عامل اصلی در جدول 7 نشان داده شده است.

جدول 7- عاملها و متغیرهای مرتبط با قدرت اقتصادی در توسعه شهر قزوین

عامل	نام عامل	معیارهای مرتبط با عامل
عامل 1	قدرت اقتصادی در توسعه شهری رانتمحور	-تعداد افراد سرمایه گذار بومی یا غیربومی در شهر قزوین -سفته بازی زمین و مسکن در هماهنگی سیاست‌ها کلان -نیاز شهرداری به کسب درآمد
عامل 2	قدرت اقتصادی در توسعه شهری صنعتی محور	-ایجاد شهرک های صنعتی -انتقال مازاد صنعتی به تهران
عامل 3	قدرت اقتصادی در توسعه شهری درآمدمحور	-توسعه صنایع آلاینده- غیر مولد -استفاده از روش های ناپایدار در درآمدزایی -صدور هر چه بیشتر پروانه ساخت و ساز

-توجه به کمیسیون ماده 100 به عنوان منبع درآمدی		
-هزینه‌های ناشی از آلودگی‌های زیست‌محیطی -افزایش تقاضا برای زمین شهری -وابستگی به ساخت و ساز به عنوان منبع درآمد شهرداری	قدرت اقتصادی بر اساس توسعه کالبدی-محیطی و کاربری اراضی شهر قزوین	عامل 4
-تراکم فروشی -تخصیص بودجه در جهت طرح‌های توسعه شهری	قدرت اقتصادی در توسعه شهری سازمانی‌محور	عامل 5

عامل اول: مقدار ویژه این عامل 2.548 می باشد که به تنهایی 18.201 درصد از واریانس را در برمی‌گیرد و بیشترین تاثیر را در بین پنج عامل مؤثر دارد. این عامل با معیارهای تعداد افراد سرمایه گذار بومی یا غیربومی در شهر قزوین، سفته بازی زمین و مسکن در هماهنگی سیاست‌ها کلان، نیاز شهرداری به کسب درآمد دارای همبستگی مثبت و بالایی است. این عامل را می‌توان، قدرت اقتصادی در توسعه شهری رانتمحور نامید.

عامل دوم: مقدار ویژه این عامل 2.415 می باشد که 17.25 درصد از واریانس را در برمی‌گیرد. متغیرهایی که در این عامل بارگذاری شده‌اند شامل ایجاد شهرک های صنعتی و انتقال مازاد صنعتی به تهران می‌باشد که بر اساس آن می‌توان این عامل را قدرت اقتصادی در توسعه شهری صنعتی محور نام نهاد.

عامل سوم: مقدار ویژه این عامل 2.407 می باشد که 17.193 درصد از واریانس را در برمی‌گیرد. این عامل با توسعه صنایع آلاینده-غیر مولد، استفاده از روش های ناپایدار در درآمدزایی، صدور هر چه بیشتر پروانه ساخت و ساز و توجه به کمیسیون ماده 100 به عنوان منبع درآمدی دارای همبستگی است و با توجه به شاخص های ذکر شده این عامل را می‌توان قدرت اقتصادی در توسعه شهری درآمدمحور نامگذاری نمود.

عامل چهارم: مقدار ویژه این عامل 2.398 می باشد که 17.125 درصد از واریانس را در برمی‌گیرد. شاخص هایی در این عامل شامل هزینه‌های ناشی از آلودگی‌های زیست‌محیطی، افزایش تقاضا برای زمین شهری، و وابستگی به ساخت و ساز به عنوان منبع درآمد شهرداری است که بر اساس آن قدرت اقتصادی بر اساس توسعه کالبدی-محیطی و کاربری اراضی شهر قزوین نام گذاری شده است.

عامل پنجم: مقدار ویژه این عامل 1.996 می‌باشد که 14.259 درصد از واریانس را در برمی‌گیرد این عامل با تراکم فروشی و تخصیص بودجه در جهت طرح‌های توسعه شهری دارای همبستگی است و بر این اساس این عامل را می‌توان قدرت اقتصادی در توسعه شهری سازمانی‌محور نامید.

نتایج

شهرها یکی از مهم‌ترین پدیده‌های انسان ساخت در فضای جغرافیایی می‌باشند که فرآیندها و نمودهای فضایی آن کاملاً تحت تاثیر قدرت‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و مستندات قانونی قرار می‌گیرند و این موضوع ساختار و سازمان فضایی شهر را تحت تاثیر قرار داده و ساز و کارهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری تهیه و اجرای طرح‌های توسعه شهری را تحت تاثیر قرار می‌دهد. در این پژوهش عوامل مؤثر قدرت اقتصادی در توسعه شهر قزوین مورد مطالعه قرار گرفته شد. بر اساس یافته‌های کیفی پژوهش می‌توان چنین مطرح نمود که درآمد و اقتصاد صنعتی شهر قزوین نقش مهمی در جمعیت‌پذیری این شهر (جذب مهاجر) داشته به عبارت دیگر قابلیت رشد صنعتی این شهر بستری را در جهت توسعه شهر قزوین فراهم آورده است که این توسعه در جهت استقرار کارگران صنعتی در شهر قزوین و ایجاد ساختار طبقاتی در شهر بوده است. همچنین، عواملی نظیر سفته‌بازی، آلودگی زیست‌محیطی، مشکلات

اجتماعی و ... از جمله مواردی است که در توسعه شهر قزوین اثرگذار بوده‌اند و این عوامل ناشی از قدرتهای اقتصادی در شهر قزوین نظیر شهرداری قزوین بر اساس نیاز به کسب درآمد (به همراه ضعف و خلا اقتصاد دستوری و متمرکز در کشور)، بوده که منجر به ایجاد اقتصاد مبتنی بر رانت، همکاری با سازمان‌ها، نهادها و بخش خصوصی دارای ارتباطات خاص شده است. از سوی دیگر، نوع کاربری که گویای نوع مالکیت اراضی است، در مناطق توسعه جدید به شدت به سود نهادها و سازمان‌های دولتی-حاکمیتی بوده است به طوری که نوعی از اقتصاد مبتنی بر سوداگری، برخورداری ویژه و ناپایدار اقتصاد شهری را به عرصه سوداگری قدرتهای تاثیرگذار عمده تبدیل نموده است.

بر اساس یافته‌های کمی پژوهش می‌توان چنین مطرح نمود که قدرت اقتصادی در شهر قزوین بر اساس عوامل بیرونی و درونی مورد بررسی واقع شده است که بر اساس آن معیارهایی همچون ایجاد شهرک‌های صنعتی (انتقال بخش مهمی از صنایع به شعاع 120 کیلومتری تهران)، تعداد افراد سرمایه‌گذار بومی یا غیربومی در شهر قزوین، توسعه صنایع آلاینده-غیر مولد، سفته بازی زمین و مسکن در هماهنگی سیاست‌ها کلان رشد نقدینگی، اقتصادی و افزایش نرخ بهره بانکی، هزینه‌های ناشی از آلودگی‌های زیست‌محیطی، انتقال مازاد صنعتی به تهران، افزایش تقاضا برای زمین شهری، مکانیزم‌های اقتصادی سازمانی، نیاز شهرداری به کسب درآمد، استفاده از روش‌های ناپایدار در درآمدزایی، وابستگی به ساخت و ساز به عنوان منبع درآمد شهرداری، صدور هر چه بیشتر پروانه ساخت و ساز، توجه به کمیسیون ماده 100 به عنوان منبع درآمدی، تراکم فروشی و تخصیص بودجه در جهت طرح‌های توسعه شهری مطرح شده است. بر اساس نتایج تحلیل عاملی، عامل اول که با نام " قدرت اقتصادی در توسعه شهری رانت‌محور" نام‌گذاری شده است، مقدار ویژه آن 2.548 است که به تنهایی 18.201 درصد از واریانس را شامل می‌شود و بیشترین تاثیر را در بین پنج عامل مؤثر دارد و با معیارهای تعداد افراد سرمایه‌گذار بومی یا غیربومی در شهر قزوین، سفته بازی زمین و مسکن در هماهنگی سیاست‌ها کلان، نیاز شهرداری به کسب درآمد دارای همبستگی مثبت و بالایی است.

بر اساس نتایج پژوهش می‌توان پیشنهادهای هم‌چون موارد زیر را مطرح نمود:

- ارتقای شفافیت سازمانی در قالب انتشار لیست درآمد، هزینه، قراردادهای مناقصه‌ها، فرآیندهای استخدامی اولیتی است که در هر حال بایستی مورد توجه شهرداری قزوین قرار گیرد؛

- شهرداری نه بخش دولتی که با اتکال به دولت بتواند بخشی از اراده مبتنی بر منافع عمومی را با پشتوانه دولتی (همکاری بخش‌های دولتی و ایستادگی در برابر سایر نهادهای حکومتی) است و نه بخش عمومی قدرتمند (دارای پشتوانه سیاسی-مردمی)، شفاف، بدیهی است که همواره دست پایین را در منازعات و تضاد منافع پیش‌آمده باز سایر ذی‌نفعان قدرتمند خواهد داشت. در چنین شرایطی انتخابی استراتژیک و گزینشی نهایی پیش روی سازمان برنامه‌ریزی کشور قرار دارد. یا بایستی این نهاد در دولت ادغام شده، تحت نظر دولت و با پشتوانه قدرت سیاسی دولتی برنامه‌های خود را پیش براند و یا به عنوان دولت محلی، نهادهای خدمات رسانی به شهر را زیر سلطه داشته باشد. تا بتواند گونه‌ای از طرح و برنامه مبتنی بر استانداردهای زیستی-شهرسازی با سود حداکثری برای شهروندان را به اجرا در آورد. در غیر این صورت شهرداری همچنان به صورت نهادی با درآمد غیرپایدار که در جستجوی درآمدزایی مرزی برای رشد فیزیکی شهر نخواهد شناخت (جهت این رشد را نیز نهادها و سازمان‌های قدرتمند که شهر فضای عمل آن‌ها است) را تعیین می‌نمایند و شهروندان عادی همچنان کم بهره‌ترین گروه از منافع شهری خواهند بود.

- در حوزه توسعه صنعتی، بایستی تلاش صورت گیرد که جهتگیری آتی توسعه صنایع در شهر، شهرستان و استان قزوین به سمت صنایع پاک، با تکنولوژی بالا و دانش‌بنیان باشد، چنین ظرفیتی با توجه به قابلیت‌ها و قدرت سیاسی واگذار شده به استان قزوین (تشکیل استان قزوین) تا حدود زیادی قابل اجرا است. این عامل با ارتقای جایگاه و نقش مستقل شهر قزوین (نه به عنوان سکونتگاهی که در تکمیل نقش‌های کارکردی-عملکردی شهر و استان تهران و البرز) به عنوان شهری مستقل پیشرو و با قابلیت‌های توسعه درون-زا مطرح نموده و اقتصاد و اجتماع پایدارتری را به ارمغان خواهد آورد.

منابع
-ایمانی شاملو، جواد، رفیعیان، مجتبی (1395). قدرت و بازتعریف نظریه برنامه‌ریزی شهری (با تاکید بر دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا)، فصلنامه راهبرد، شماره هشتاد، سال بیست و پنجم.

-رحیمی، محمد (1397) بررسی و تحلیل عناصر قدرت شهری در دوره‌های تاریخی و معاصر، مجله مطالعات ایرانی، دوره 33، شماره 17، صص. 155-176.
-کاظمیان، غلامرضا (1386). درآمدی بر الگوی حکمرانی شهری، فصلنامه جستارهای شهرسازی، شماره 19-20.

- سیف، الله مراد، افتخاری، اصغر، عزتی، مرتضی و محمد تقی رضانی (1392). مفهوم شناسی قدرت نرم اقتصادی؛ توسعه نظریه قدرت نرم متعارف در حوزه اقتصاد، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال شانزدهم، شماره 58.

-لشگری تفرشی، احسان، رضایی، محمد رضا و گلشن کاویان پور (1396). تبیین نظری کارکرد های قدرت سیاسی در فضای شهری، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال سی و دوم، شماره دوم، شماره پیاپی 125.

- نژادبهرام، زهرا و جلیلی، سید مصطفی (1399) تبیین مفهوم قدرت شهر و اثرات آن در فرآیند توسعه شهر تهران، معماری و شهرسازی آرمان شهر، دوره 33، شماره 13، صص. 269-280.

- منصور، مریم (1395) حاکمیت و جامعه در اندیشه میشل فوکو، فصلنامه علمی-تخصصی فرهنگ پژوهش، شماره 22، صص. 120-130.

- کلانتری، خلیل (1387)، پردازش و تحلیل داده ها در تحقیقات اجتماعی-اقتصادی، نشر فرهنگ صبا، تهران چاپ چهارم.

- مشکینی، ابوالفضل و نورمحمدی، مهدی (1397) نقدی بر مدیریت زمین شهری کشورهای در حال توسعه (مطالعه موردی ایران)، پژوهش های جغرافیای انسانی، دوره 50، شماره 4، صص. 809-829.

-Crevoisier, O., & Rime, D. (2021). Anchoring urban development: Globalization, attractiveness and complexity. *Urban Studies*, 58(1), 36-52.

-Dunleavy, P. (2012), *Urban Political Analysis*, London: Macmillan.

-Dobrucka, Lucia. (2018) When planners depend on powerful actors: Automatism versus intentions. *Planning Theory*, Vol. 17, No. 2, pp. 234-252.

-Holden, Patrick. (2020) Territory, geoeconomics and power politics: The Irish government's framing of Brexit." *Political Geography*. pp.1-32.

-Johnston, R. J. and et al. (2000) *the Dictionary of Human Geography* (4th.ed), Wiley-Blackwell.

-Stevenson, A. (Ed.). (2010) *Oxford dictionary of English*. Oxford University Press, USA.

-Kissfazekas, Kornélia. (2015) Relationships between politics, cities and architecture based on the examples of two Hungarian New Towns. *Cities*, Vol. 48, pp. 99-108.

-Karki, Tej Kumar. (2017) Should planners join politics? Would that help them make better cities, *Planning Theory*, Vol. 16, No.2, pp.186-202.

-Merriam-Webster Dictionary(2015) *Encyclopedia Britannica Online*, Retrieved June 24.

-Matisovs, I. (2011). Urban Development Trends in the Latgale Region at the Beginning of the 21st Century. In *Environment. technologies. Resources. Proceedings of the International Scientific and Practical Conference*, Vol. 1, pp. 130-138.

Explaining the effective factors of economic power in the development of Qazvin city

Abstract

The city is the result of the interaction of biological and natural foundations on the one hand and economic, political, cultural structures, the product of power, decision and management on the other. Therefore, the study of the forces affecting the formation of the city is one of the most important factors determining urban development. In this study, the effective factors of economic power in the development of Qazvin city have been explained. This research was applied-developmental in terms of purpose and descriptive-analytical based on method in which the data analysis was done in a mixed (qualitative-quantitative) way. Also, data collection and data in the form of documentary-library and survey have been the main tool of the questionnaire. The statistical population of the study also included city officials and managers based on economics-based expertise as well as elites and professors of Qazvin universities. The sample size based on the Delphi method was 30 people randomly. For quantitative data analysis, factor analysis method with SPSS software was used. The results indicated that the merchant-based economy had turned the special and unstable enjoyment of the urban economy into the field of merchandising of the major influential powers in the development of Qazvin city. Also, the factor of "economic power in rent-oriented urban development" with a specific value of 2.548 was able to include 18,201 percent of the variance. This factor also had a positive and high correlation with the criteria of the number of local or non-native investors in Qazvin, land and housing speculation in coordination of macro policies, and the municipality's need to earn income.

Keywords: power, economic power, urban development, Qazvin city.